



ولایت مدل اسلام برای تمدن سازی/ تعبیر قیم بودن برای ولایت غلط است

حجت الاسلام خسروپناه با تاکید بر آینده پژوهی تمدن نوین اسلامی به ارائه مدل آن پرداخت و گفت: باید در تمدن سازی مدل عقلانیت، دیانت و سیاست ارائه گردد که ما در تمدن نوین اسلامی بر عقلانیت طول و عرض و اسلام جامع نگر و سیاست ولایی تاکید داریم.

حجت الاسلام خسروپناه با تاکید بر آینده پژوهی تمدن نوین اسلامی به ارائه مدل آن پرداخت و گفت: باید در تمدن سازی مدل عقلانیت، دیانت و سیاست ارائه گردد که ما در تمدن نوین اسلامی بر عقلانیت طول و عرض و اسلام جامع نگر و سیاست ولایی تاکید داریم.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه، رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در کنفرانس ملی "آینده پژوهی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تمدن سازی نوین اسلامی" که دوشنبه 14 اسفند در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد به ارائه مقاله خود با عنوان "تمدن سازی نوین اسلامی مبتنی بر عقلانیت اسلامی" پرداخت.

حجت الاسلام خسروپناه با بیان اینکه هر نوع آینده پژوهی که می خواهد به هر نوع تمدنی برسد باید تکلیف 3 مولفه عقلانیت، دیانت و سیاست را روشن کند افزود: هیچ جامعه بشری وجود ندارد که نگرش خود را نسبت به عقل، دین و سیاست ارائه نکرده باشد. بنابراین ما باید در تمدن سازی نوین اسلامی مدل خود را نسبت به این 3 مولفه ارائه کنیم.

وی با بیان اینکه تمدن در هر جامعه ای، پیشرفتی تدریجی است، تصریح کرد: تمدن ژاپن و یا غرب مدرن و یا ایران در دوره صفویه و نیز تمدن اسلامی در قرن 3 تا 6 یک پدیده تدریجی است اما سؤال این است آیا می توان تمدن را آینده پژوهی و مدیریت کرد؟ پاسخ مثبت است، یعنی امکان مدیریت و آینده پژوهی تمدن سازی وجود دارد.

رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با اشاره به سیر تاریخی تمدن غرب تصریح کرد: عقلانیت در غرب از سال 600 تا 400 قبل از میلاد یک عقلانیت خودبنیاد بود که می خواست با عقل همه گره ها را باز کند. در دوره نهلیسم بیشتر احساسات غلبه دارد تا عقلانیت. لذا تاکیدشان بیشتر بر عاطفه است. از قرن 5 تا 15 میلادی، ایمان گرایی غلبه دارد یعنی در دوره قرون وسطی سیر تمدنی افول می کند و در این دوره عقلانیت یا تعطیل و یا بسیار کم رنگ است. از قرن 17 میلادی عقل خودبنیاد وجود دارد و دکارت این عقل خود بنیاد را به فلسفه تبدیل می کند و انسان سوژه و بقیه موجودات آژه می شود. این عقلانیت خودبنیاد که تمدن برای غرب به ارمغان آورد در عین حال دستاوردهای بسیار خطرناکی را همراه داشت که بحران های مختلفی که امروز ما شاهد آن هستیم از جمله آنهاست چرا که وقتی انسان از ملکوت بریده شد ملک قابل کنترل نیست.

خسرو پناه با تاکید بر تاثیر متفکران اسلامی در پیشرفت علوم و صنعت در غرب یادآور شد: افول تمدن اسلامی از قرن 6 شروع می شود چون عقلانیت فلسفی کنار می رود و عقلانیت صوفیانه جانشین می شود که تمام دغدغه اش این است که رابطه پولی بین پدیده ها را مطرح کند و عقلانیت عرضی که آیات الهی را بشناسیم دیگر ارزش ندارد. از قرن 6 به بعد تمدن علمی و صنعتی در کشورهایی مثل ایران افول می کند و به جای آن رشد ادبیات و شعر و عرفان زیاد می شود و اوج عرفان را از قرن 6 تا 9 داریم که از قرن 9 تا 12 همین ادبیات عرفانی در هنر وارد می شود و در این دوره اوج شکوفایی هنر و معماری را شاهدیم.

حجت الاسلام خسروپناه در ادامه تاکید کرد: مدلی که ما برای تمدن نوین اسلامی ارائه می دهیم نه عقلانیت خودبنیاد است، نه عقلانیت صوفیانه و نه آن ایمان گرایی که در قرون وسطی بود. بلکه باید این تمدن سازی بر اساس عقلانیتی که هم رابطه طولی و هم عرضی را ارائه می کند تدوین گردد که من از آن "عقلانیت اسلامی ناب" تعبیر می کنم. این عقلانیتی است که در یک دوره تجربه شده و افرادی چون خوارزمی، رازی، ابن سینا، بیرونی، آن را تجربه کرده و جواب گرفتند.

وی با طرح این سؤال که چه تبیینی از دین می تواند منشاء تمدن سازی و یا تمدن سوزی شود گفت: آیا با اسلام صوفیانه یا اشعری یا اعتزالی یا سکولار می توان به تمدن رسید؟ خدایی که در دانش، سیاست، کسب و کار و ... وجود نداشته باشد خدای مرده است و این در حالیست که ما به خدای زنده ایمان داریم. اگر ایمان گرا شدیم به گونه ای که عقل کنار رفت این خطرناک است. اسلام هم می تواند تمدن سازی و هم تمدن سوزی کند اما آن اسلام تمدن ساز، اسلام جامع نگر است. اسلامی است که امام به ما معرفی کرد و افرادی چون شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ بهایی و ... به آن معتقد بودند. اسلام جامع نگر معنویت را قبول دارد اما معنویت را با عقلانیت جمع می کند.

رئیس موسسه حکمت و فلسفه ایران، تصریح کرد: پس مدل ما در آینده پژوهی تمدن نوین اسلامی در حوزه عقلانیت طولی و عرضی است در حوزه ایمان، اسلام جامع نگر و در سیاست ولایی است. مدل سیاست هم تمدن سازی و هم تمدن سوزی می کند. مدل امپراتوری که در آن توزیع قدرت نمی شود تمدن ساز نخواهد بود. در مدل های دموکراسی هم پیوند با حاکمیت وجود ندارد لذا گاهی در انتخابات 30 تا 40 درصد مردم مشارکت دارند اما اگر بین حاکمیت و مردم پیوند ایجاد شود هم مشارکت مردمی و هم حاکمیت حکومت اتفاق می افتد و این مدل، مدل حاکمیت معنوی - حقوقی است که هم تکلیف مدار و هم حق مدار است.

وی تاکید کرد: آن مدلی که اسلام ارائه می کند در حوزه سیاست، مدل ولایت است. برخی متاسفانه تفسیر غلط از این مدل کرده و از آن به قیم بودن تعبیر می کنند. در حالیکه ولایت یعنی قرب و پیوند و در این سیاست ولایی پیوند حقوقی - معنوی وسیعی بین مردم و حاکمیت است.